

نگاهی کوتاه به زندگی ابوالفتوح رازی مولف تفسیر روح الجنان

تفسیر ابوالفتوح رازی، موسوم به روض الجنان و روح الجنان، قدیمی ترین تفسیر فارسی شیعه است که جنبه کلامی معتدل و متوسطی شبیه تفسیر طبری دارد و احادیث منقول در آن عمدتاً عبارت از احادیث و اخباری است که از ائمه معصومین روایت شده، و همچنین مؤلف به احادیث اهل سنت هم در درجه بعد از احادیث شیعی اعتنا داشته، جزو منابع تفسیری معتبر و مورد اعتنای شیعیان به شمار می آید که تاکنون چهار بار به طبع رسیده که آخرین آن، به کوشش و تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر مهدی ناصح بوده و از چاپ جدید تاکنون بسیاری از مجلدات انتشار یافته و بقیه در حال انتشار است. با این حال، برخی علاقه مندان تفاسیر قرآنی چنان که باید و شاید ابوالفتوح رازی، مؤلف این کتاب گرانسنگ را نمی شناسند و جز این که نسب وی به دو تن از صحابه رسول اکرم (ص) می رسد، اطلاعات دیگری درباره او ندارند. به همین بهانه، مقاله تحقیقی جامعی به قلم محمد قزوینی که نگرشی همه جانبه به زندگی ابوالفتوح رازی و چگونگی تفسیر وی دارد، انتخاب شده که در چند شماره به استحضار همراهان ارجمند می رسد.

بسیاری از کتب فارسی و عربی را انجام داده است. پروفیسور بوان (Bevan) متخصص در ادبیات عرب به ویژه اشعار جاهلی، الس (elis) کتابدار سابق بریتیش میوزیوم و عضو هیأت امنای اوقاف گیب و متخصص کتب عربی و فارسی و ترکی، آمدروز (Amedroz) عضو هیأت امنای اوقاف گیب و متخصص تاریخ اسلام و ایران، درنبرگ (Derenbourg) عربی دان معروف و طابع کتاب سیبویه، یارییه دومنار (Meynard) متخصص تاریخ، میه (Meillet) نحوی و لغوی معروف، هوارت (Huart) متخصص علوم و فنون فارسی و عربی و ترکی، پروفیسور مارکوارت (Marquart) متخصص جغرافیای قدیم و تاریخ و زبان پهلوی و عربی و ارمنی و سریانی، پروفیسور زاخاو (Sachau) متخصص عربی، سریانی و سانسکریت (زبان قدیم هندیان)، دکتر موریتز (Morits) متخصص قرائت خطوط متنوع اسلامی، پروفیسور هارتمن (Hartmann) متخصص زبان عربی و ترکی، پروفیسور مان (Mann)، پروفیسور میتوخ (Mittwoch)، پروفیسور فرانک (Frank)، سباستیان بک (Beck) و....

یکی از کارهای مهم دیگری که علامه قزوینی در مدت اقامت در اروپا صورت داد عکس برداری از تعداد زیادی از کتب خطی فارسی بود که نسخه های نادر یا منحصر به فرد آن ها در کتابخانه های اروپا موجود بود و در خود ایران هیچ نسخه ای از آن ها نبود. خرج تحصیل این نسخه های عکس را وزارت معارف وقت ایران داد ولی انتخاب و تحمل زحمت تهیه عکس و نوشتن مقدمه ای در باب کتب و مؤلفین آن ها با قزوینی بود.

وی در سال ۱۳۱۸ شمسی به علت حوادث جنگ جهانی دوم، بعد از سی و شش سال غربت با همسر و دختر خود، از پاریس به تهران آمد و پس از پایان یافتن جنگ نیز توانست کتابخانه نفیس خود را از پاریس به تهران منتقل کند (بعدها به دانشگاه تهران اهداء شد). علامه قزوینی سرانجام روز جمعه ششم خرداد سال ۱۳۲۸ در ۷۴ سالگی جان سپرد و در جوار قبر ابوالفتوح رازی در زاویه حضرت عبدالعظیم ری به خاک سپرده شد.

آثار و رسائل علامه بسیار است، به جز کتبی که در اروپا تصحیح کرد و اوقاف گیب به چاپ رساند و به غیر از کتب و رسائلی که در ایران از او به چاپ رسید، یادداشت های فراوان او، در ۱۰ جلد (۵ مجلد) توسط ایرج افشار، و همچنین مقالات او در ۲ جلد توسط عباس اقبال و ابراهیم پورداود، و باز مقالات دیگری از او در ۴ جلد توسط «ع. جربزه دار» چاپ شده است.

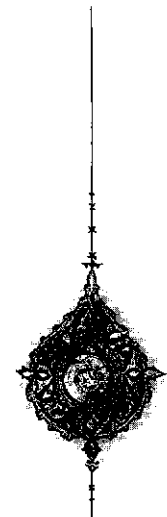
ملا عبدالوهاب قزوینی از مدرسان مدرسه دوستعلی خان معیرالممالک در تهران و از اجله علمای عصر خویش بود. وقتی در سال ۱۲۹۴ قمری، در زمان ناصرالدین شاه، وزیر علوم وقت (اعتضاد السلطنه) هیأتی برای نوشتن «نامه دانشوران» انتخاب کرد، ملا عبدالوهاب نیز انتخاب شد تا ترجمه احوال علمای لغت و صرف و نحو و ادب در فقه و رجال را بنگارد. میرزا محمد خان قزوینی که بعدها به علامه قزوینی شهرت یافت پسر ارشد ملا عبدالوهاب است. میرزا محمد در سال ۱۲۹۴ قمری در محله سنگلج تهران تولد یافت و در شرح حالی که از خود نوشته، آورده است:

«صرف و نحو را در خدمت پدرم و خدمت حاجی سید مصطفی قنات آبادی در مدرسه معیرالممالک، فقه را در خدمت همان بزرگوار و حاجی شیخ محمد صادق طهرانی مدرس مدرسه مذکور و قلیلی در محضر حاجی شیخ فضل الله نوری، کلام و حکمت قدیم را در خدمت حاجی شیخ علی نوری در مدرسه خان مروی، اصول فقه را در خدمت ملا محمد آملی در مدرسه خازن الملک، اصول فقه خارج را در محضر درس آقا میرزا حسن آشتیانی گذراندم. از جمله بزرگوارانی که از انفاص قدسیه ایشان کسب فیض کردم حاجی شیخ هادی نجم آبادی، آقا سید احمد ادیب پیشاوری، شیخ مهدی قزوینی از مؤلفان اربعه «نامه دانشوران» و میرزا محمد حسین خان اصفهانی متخلص به فروغی، است.»

علامه مدتی را به تدریس نحو برای دو پسر حاج فضل الله نوری (ضیاءالدین - میرزا هادی) گذراند.

برادر کوچک تر علامه قزوینی (احمد عبدالوهابی) در سال ۱۲۸۳ شمسی چون شوق برادر خود را به نسخ عربی و فارسی می دانست و در لندن خزانه بزرگی از آن ها را دیده بود برادر را برای دیدن و مطالعه آن ها به لندن دعوت کرد. علامه قزوینی که تنها ۲۶ سال داشته به خیال آن که ایامی چند در لندن می ماند و پس از آن که مطالعه خود را کامل کند با برادر به ایران برگردد، راهی آن دیار شد اما این سفر موقتی ۳۶ سال طول کشید. به مجردی که به اروپا رسید بنا را به مراد با علما و دانشمندان اروپایی و شرق شناسان گذاشت. آنان نیز قدر مقام فضل و اطلاع و دقت و قوه تحقیق او را از همان ابتدا شناخته و از اقامت او در اروپا استفاده کرده و او را به تصحیح متون و کتب فارسی واداشتند. وی در مدت ۳۶ سال که در اروپا، انگلستان، فرانسه، آلمان، سوئیس، بود با تنی چند از دانشمندان معروف دوستی و مراد به نزدیک داشت از جمله: پروفیسور ادوارد براون (Browne) ریاست هیأت امنای اوقاف گیب که طبع و تصحیح





شرح احوال شیخ ابوالفتوح رازی و وصف تفسیر او

هرچند شرح احوال مؤلف این کتاب مستطاب شیخ جلیل ابوالفتوح رازی نغمه‌الله بغفرانه و اسکنه بحیوة جنانه در مقدمه جلد اول این تفسیر به نقل از روضات الجنات مرحوم آقا محمدباقر خوانساری مسطور و تقریباً خلاصه جمیع آنچه در کتب رجال شیعه راجع بدین موضوع به دست می‌توان آورد در آن مقدمه نفیس مذکور است ولی معذالک کله مزید توضیح را به حکم آنکه هوالمسک ماکررته یتضوع جناب آقای حکمت وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه که ادامه طبع بقیه مجلدات این تفسیر کبیر (پس از طبع در جلد اول آن که در سی و یک سال قبل به انجام رسیده و مابقی همچنان در عهده تعویق مانده بود) از نتایج همت بلند و طبع هنردوست هنرپرور ارجمند حضرت معظم له است مصلحت چنان دیدند که همان معلومات را با پاره بسط و ایضاحات بیشتر راجع به شرح احوال مؤلف کتاب و خاندان او و تعیین عصر او و تاریخ تقریبی تألیف تفسیر حاضر و سایر اطلاعات از این قبیل که از تتبع سایر کتب رجال به غیر روضات الجنات و نیز از مطالعه متن خود این تفسیر به دست می‌توان آورد مجموع را در ضمن فصلی به عنوان خاتمه الطبع در آخر جلد پنجم این کتاب علاوه نمایند و جمع و ترتیب این فصل را به عهده این حقیر فقیر معترف به عجز و تقصیر محمدبن عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی بصره‌الله بیعوب نفسه و جعل یومه خیراً من امسه محول فرمودند، و این ضعیف با آنکه به علت قلت بضاعت او از علم و ادب و محرومی او از هنرهای موروث و مکتسب به هیچ وجه اهلیت این کار را در خود نمی‌دید اما به حکم‌المأمور معذور و مالا یدرک کله لایترک کله امثال اوامر مطالعه حضرت معظم له را جهدمقلی به جای آورده فصول ذیل را از روی پاره مأخذی که اسامی آنها متدرجاً در تضاعیف این مقاله مذکور خواهد شد مرتب نمود، امید از فضل عمیم خوانندگان کریم آنکه اگر بر سهو و خطائی در این اوراق واقف شوند بذیل عفو و اغماض ببخشند و در اصلاح معایب آن حتی المقدور بکوشند و به خاطر آورند که سهو و نسیان از لوازم نوع انسانی و عصمت مخصوص ذات فرد صمدانی است و من الله استمدالتوافیق انه بالاجابة حقیق.

و فصول ذیل عبارت است از:

- الف - نسب مؤلف کتاب و شرح احوال بعضی از مشاهیر خاندان او.
- ب - شرح احوال مؤلف کتاب.
- ج - تعیین عصر مؤلف و تاریخ تقریبی تفسیر حاضر.
- د - بعضی اشعار فارسی که مؤلف در تضاعیف کتاب بدان تمثل جسته.
- ه - بعضی تعبیرات و اصطلاحات و لغات نادره این کتاب.
- و - وصف اجمالی نسخه خطی که اساس طبع حاضر است.

نسب مؤلف کتاب و شرح احوال بعضی از مشاهیر خاندان او

هوالمشایخ الامام الجلیل قدوة المفسرین ترجمان کلام الله جمال‌الدین ابوالفتح الحسین بن علی بن محمد بن احمد بن الحسین بن احمد الخزاعی الرازی، مؤلف به تصریح خود در اثناء تفسیر حاضر از اولاد نافع بن بدیل بن ورقاء الخزاعی از صحابه معروف حضرت رسول بوده است، در تفسیر آیه ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون در سوره آل عمران (جلد اول ص ۶۸۳) گوید:

«و بعضی دگر گفتند آیه در شهیدان جاه معونه آمد و قصه این آن بود که ابوبراء عامر بن مالک بن جعفر بن کلاب ملاعب الاسنة که سید بنی عامر بن صعصعه بود به نزدیک رسول آمد به مدینه رسول (ص) اسلام بر او عرضه کرد او گفت ای محمد! این دین که تو ما را به آن دعوت می‌کنی دینی نکو است اگر جماعتی صحابه را بفرستی به اهل نجد تا ایشان را دعوت کنند به این دین، امید من چنان است که اجابت کنند رسول (ص) گفت من ایمن نباشم برایشان که ایشان را به میان قومی کفار فرستم. ابوبراء گفت در حمایت

منتد، ایشان را بفرست. رسول (ص) متذربن عمرو را با هفتاد مرد از خیار مسلمانان بفرستاد از جمله ایشان حارث بن صمة و حرام (۱) بن ملحان و عروبة بن اسماء و نافع بن بدیل (۲) بن ورقاء الخزاعی و این مرد از پدران ماست، الخ» انتهی باختصار.

و چنان که ملاحظه شد به تصریح واضع خود مؤلف جد اعلای او نافع بن بدیل بن ورقاء مزبور بوده است نه عبدالله بن بدیل بن ورقاء [برادر نافع مزبور] چنان که مرحوم حاجی میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل (ج ۳ ص ۴۸۷) مرقوم داشته، و بدون شک این فقره از مرحوم محدث نوری با آن تتبع فوق‌العاده که از او معهود است فقط ناشی از طغیان قلم است که مابین دو برادر خلط و یکی را به دیگری اشتباه نموده است و الا مرفیه سهل.

و باز مؤلف در موضع دیگر در تفسیر آیه هم الذین کفروا و صدو کم عن المسجد الحرام و الهدی معکوفاً آن یبلغ محله در سوره الفتح (ج ۵ ص ۱۰۳) گوید: «ایشان در این بودند بدیل بن ورقاء الخزاعی برسید و او از پدران ماست اعنی مصنف الکتاب و بنو خزاعه عیبه نصح رسول بودند از جمله اهل تهامه».

بدیل بن ورقاء مذکور تا غزوه حنین که در سنه هشت از هجرت روی داد در حیات بوده است و اندکی قبل از وفات حضرت رسول در سن نود و هفت سالگی وفات یافت، و پسرش نافع بن بدیل جد اعلای مؤلف در سال چهار از هجرت با قریب هفتاد نفر و به روایتی چهل نفر از خیار صحابه حضرت رسول در وقعه بئر معونه که اشاره بدان شد به درجه شهادت رسیدند و تفصیل این واقعه در عموم کتب سیر و تواریخ مبسوطاً مذکور است، غرض ما در اینجا فقط اشاره اجمالی بود به این واقعه برای مزید تعرفه جد اعلای مؤلف، و عبدالله بن رواحه در مرثیه او گفت:

رحم الله نافع بن بدیل

رحمة المبتغی ثواب الجهاد

ضابطاً صادق اللقاء اذا ما

اکثر القوم قال قول السداد (۳)

و ترجمه احوال بدیل بن ورقاء خزاعی مزبور با هفت پسر او نافع و عبدالله و عبدالرحمن و سلمه و عمرو و عثمان و محمد ابتداء بدیل که همه از افاضل صحابه حضرت رسول و بسیاری از ایشان نیز از زمره مخلصین حضرت امیر و در رکاب آن حضرت در صفین به درجه شهادت رسیده‌اند در کتب معرفة الصحابه مانند استیعاب ابن عبدالبر و اسدالغابه ابن الاثیر و اصابه ابن حجر و در کتب سیر و تواریخ از قبیل سیره ابن هشام و تاریخ طبری و ابن الاثیر و غیرها مفصلاً و مبسوطاً مسطور است هرکس که طالب مزید اطلاعات در این موضوع باشد باید به کتب مزبوره رجوع نماید.

و مخفی نماند که از اولاد بدیل بن ورقاء خزاعی مذکور عده کثیری از خاندان‌های عربی الاصل که بعدها به طول اقامت در ایران و خلطه و آمیزش با ایرانیان به کلی ایرانی و زبانشان فارسی شد (۴) در قدیم الایام از جزیره العرب به ایران مهاجرت کرده و در نقاط شمالی ایران در نواحی نیشابور و سبزوار و ری و غیره سکنی گزیده بوده‌اند و بسیاری از این خاندان‌ها به اسم «بدیلیان» (نسبت به جد اعلای ایشان بدیل بن ورقاء مذکور) معروف بوده‌اند و سمعی در کتاب الانساب در نسبت «بدیلی» و ابوالحسن بیهقی در تاریخ بیهقی در ضمن تعداد خاندان‌های قدیم آن ناحیه اسامی جمعی از معارف بدیلیان را به دست داده‌اند (۵) و مؤلف مانحن فیه شیخ ابوالفتوح رازی و خاندان او گرچه ایشان نیز از اولاد بدیل بن ورقاء خزاعی بوده‌اند ولی این شعبه از اولاد بدیل گویا به بدیلیان معروف نبوده‌اند چه در هیچ یک از کتب رجال نسبت مزبور در حق مؤلف یا یکی از اعضاء خانواده او به نظر نرسید.

تکمیلًا للفایده و برای مزید تعرفه و ایضاح احوال مؤلف کتاب مناسب چنان دانستیم که اسامی عده‌ای از مشاهیر خاندان مؤلف را که همگی از اهل علم و فضل و از اجله فقها و محدثین شیعه امامیه بوده‌اند ذیلاً به نظر خوانندگان برسانیم و مأخذ عمده ما در این تراجم احوال فهرست معروف شیخ



متجب‌الدین علی بن عیبدالله بن الحسن بن الحسین بن بابویه رازی تلمیذ مشهور مؤلف است با استعانت از پاره مآخذ دیگر که اسامی آن‌ها در ضمن سطور آیه مذکور خواهد شد.

قدیمی‌ترین کسی که از این خاندان نام او در کتب رجال دیده می‌شود جد دوم مؤلف ابوبکر احمد بن الحسن الخزاعی نیشابوری است از تلامذه سید بن رضی متوفی در سنه ۴۰۶ و مرتضی متوفی در سنه ۴۳۶ و شیخ طوسی متوفی در سنه ۴۶۰ بعضی از رجال اواخر مائه رابعه و اوایل یا اواسط مائه خاصه، و ترجمه عین عبارت شیخ منتجب‌الدین در فهرست در حق او از قرار ذیل است: «شیخ ثقة ابوبکر احمد بن الحسن بن احمد نیشابوری متوطن در ری پدر شیخ حافظ عبدالرحمن عادل است و متدین از تلامذه سید بن مرتضی و رضی و شیخ ابوجعفر (طوسی) رحمه الله از مؤلفات اوست: امالی در اخبار چهار مجلد، و کتاب عیون الاحادیث و روضه در فقه و سنن، و مفتاح در اصول و مناسک، خبر داد ما را به کتب مزبوره شیخ (۶) امام سعید (۷) ترجمان کلام الله جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن احمد خزاعی رازی نیشابوری از پدرش از جدش از صاحب ترجمه» (۸).

و دیگر برادر ابوبکر احمد مذکور ابوالفتح (۹) محسن بن الحسن بن احمد عم جد ابوالفتوح رازی، و ترجمه عبارت منتجب‌الدین و خصوص او از قرار ذیل است: «شیخ عادل محسن بن الحسن بن احمد نیشابوری خزاعی عم شیخ مفید عبدالرحمن نیشابوری رحمه الله ثقة است و حافظ و واعظ، از مؤلفات اوست. امالی در احادیث، کتاب السیر، کتاب اعجاز القرآن، کتاب بیان من کنت مولاه، خبر داد ما را به کتب مزبوره استاد ما امام سعید جمال الدین ابوالفتوح خزاعی از پدرش از جدش از صاحب ترجمه رحمه الله جمیعاً» (۱۰).

و دیگر پس ابوبکر احمد مذکور ابومحمد عبدالرحمن بن احمد بن الحسن معروف به مفید نیشابوری عم پدر ابوالفتوح رازی. منتجب‌الدین در فهرست درباره او گوید: «شیخ مفید ابومحمد عبدالرحمن احمد بن الحسن نیشابوری خزاعی شیخ اصحاب بری و حافظ و واعظ در اطراف بلاد شرقاً و غرباً سفر کرد و احادیث را از مؤلف و مخالف سماع نمود و او را مؤلفات است از آن جمله سفینه النجاة فی مناقب اهل البيت العلویات الرضویات، امالی، عیون الاخبار مختصراتی در وعظ و زواجر، خبر دادند ما را به کتب مزبوره جماعتی از جمله سید بن مرتضی و مجتبی پسران داعی حسینی و برادرزاده (۱۱) صاحب ترجمه شیخ امام جمال الدین ابوالفتوح خزاعی (۱۲)

و دیگر برادر ابوبکر احمد مذکور ابومحمد عبدالرحمن بن احمد بن الحسن معروف به مفید نیشابوری عم پدر ابوالفتوح رازی. منتجب‌الدین در فهرست درباره او گوید: «شیخ مفید ابومحمد عبدالرحمن احمد بن الحسن نیشابوری خزاعی شیخ اصحاب بری و حافظ و واعظ در اطراف بلاد شرقاً و غرباً سفر کرد و احادیث را از مؤلف و مخالف سماع نمود و او را مؤلفات است از آن جمله سفینه النجاة فی مناقب اهل البيت العلویات الرضویات، امالی، عیون الاخبار مختصراتی در وعظ و زواجر، خبر دادند ما را به کتب مزبوره جماعتی از جمله سید بن مرتضی و مجتبی پسران داعی حسینی و برادرزاده (۱۱) صاحب ترجمه شیخ امام جمال الدین ابوالفتوح خزاعی (۱۲)

و دیگر برادر ابوبکر احمد مذکور ابومحمد عبدالرحمن بن احمد بن الحسن معروف به مفید نیشابوری عم پدر ابوالفتوح رازی. منتجب‌الدین در فهرست درباره او گوید: «شیخ مفید ابومحمد عبدالرحمن احمد بن الحسن نیشابوری خزاعی شیخ اصحاب بری و حافظ و واعظ در اطراف بلاد شرقاً و غرباً سفر کرد و احادیث را از مؤلف و مخالف سماع نمود و او را مؤلفات است از آن جمله سفینه النجاة فی مناقب اهل البيت العلویات الرضویات، امالی، عیون الاخبار مختصراتی در وعظ و زواجر، خبر دادند ما را به کتب مزبوره جماعتی از جمله سید بن مرتضی و مجتبی پسران داعی حسینی و برادرزاده (۱۱) صاحب ترجمه شیخ امام جمال الدین ابوالفتوح خزاعی (۱۲)

و دیگر برادر ابوبکر احمد مذکور ابومحمد عبدالرحمن بن احمد بن الحسن معروف به مفید نیشابوری عم پدر ابوالفتوح رازی. منتجب‌الدین در فهرست درباره او گوید: «شیخ مفید ابومحمد عبدالرحمن احمد بن الحسن نیشابوری خزاعی شیخ اصحاب بری و حافظ و واعظ در اطراف بلاد شرقاً و غرباً سفر کرد و احادیث را از مؤلف و مخالف سماع نمود و او را مؤلفات است از آن جمله سفینه النجاة فی مناقب اهل البيت العلویات الرضویات، امالی، عیون الاخبار مختصراتی در وعظ و زواجر، خبر دادند ما را به کتب مزبوره جماعتی از جمله سید بن مرتضی و مجتبی پسران داعی حسینی و برادرزاده (۱۱) صاحب ترجمه شیخ امام جمال الدین ابوالفتوح خزاعی (۱۲)



بذیل بن و رقاء الخزاعی «از صحابه حضرت رسول (ص)»

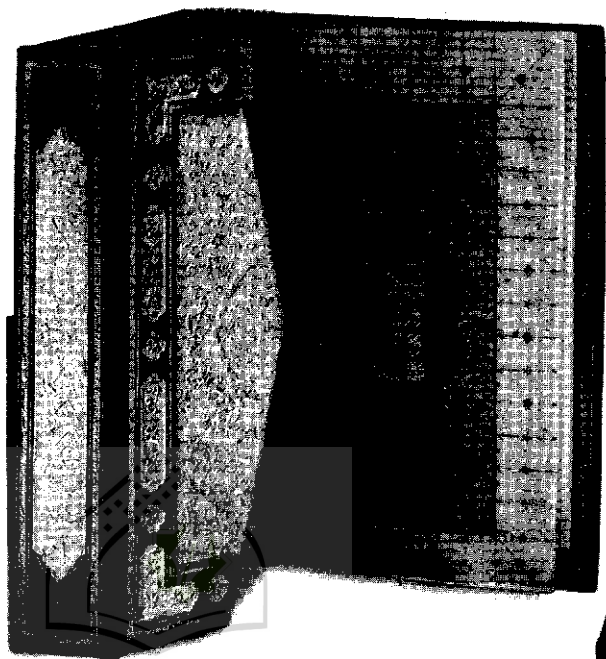
نافع
هاشم
شجاع
الفضل
ابراهیم
احمد
الحسین

ابوالفتح المحسن
ابوسعد محمد
ابومحمد عبدالرحمن معروف
علی
جمال الدین ابوالفتوح حسین (مؤلف تفسیر حاضر)
تاج الدین محمد
صدرالدین علی
ابوبکر احمد
بمفید نیشابوری
متوفی در سنه ۴۴۵

در فهرست منتخب الدین نام یکی دو نفر دیگر از اعضاء این خانواده مذکور است ولی چون از نسخه تحریف نساخته و وجه قرابتشان با مؤلف علی التحقیق معلوم نشد از ذکر ایشان در این جدول صرف نظر نمودیم.

پی نوشت ها:

- ۱- حرام به فتح ح و رأ مهملتین است (اصابه ابن حجر) و با زاء معجمه چنانکه در تفسیر حاضر چاپ شده غلط نساخته است.
- ۲- بذیل بصیغه تصغیر است بر وزن زبیر، قاموس و انساب سمعانی در «بذیلی».
- ۳- اسد الغاب ج ۵ ص ۷.
- ۴- مؤلف غالباً در تضعیف این تفسیر گوید که فلان چیز را به عربی چنان گویند و به زبان ما (یعنی فارسی) چنان، رجوع شود از جمله مثلاً به جلد ۱ ص ۴۷۱-۴۷۲، ج ۲ ص ۴۶۶-۵۳۷ و ج ۳ ص ۴۴۰، و ج ۴ ص ۴۳۲.
- ۵- نسخه لندن ورق ۷۸ الف و ۱۳۱ ب.
- ۶- در نسخه چاپی فهرست منتخب الدین که به تمامه در اول مجلد بیست و پنجم بحار الانوار مندرج است در اینجا بعد از کلمه شیخ افزوده «ابوجعفر» و بدون شبهه کلمه ابوجعفر بکلی زیادی و سهو نساخته است چه واضح است که کنیه مؤلف تفسیر حاضر ابوالفتوح است نه ابوجعفر و خود منتخب الدین نیز بلافاصله بعد او را بلفظ ابوالفتوح می نامد و هیچ جای دیگر نیز مسموع نشده که وی دو کنیه داشته، وانگهی در کتاب امل الامل شیخ حرعاملی مطبوع در آخر رجال استرآبادی که تمام فهرست منتخب الدین را بعین عبارت رجال متفرقه در تضعیف کتاب خود گنجانیده است در مورد مانحن فیه (ص ۴۵۸) ابداً کلمه «ابوجعفر» را ندارد.
- ۷- کلمه «سعید» در اصطلاح قدما غالباً مرادف «مرحوم» امروزه استعمال می شده است مقصود این است که از اینجا معلوم می شود که ابوالفتوح رازی در حین تعریف تألیف فهرست منتخب الدین (سنه ۵۷۳-۵۹۲) بیش در جزو احیا نبوده است.
- ۸- فهرست منتخب الدین مطبوع در اول جلد ۲۵ بحار الانوار ص ۳، و امل الامل ص ۴۵۸.
- ۹- کنیه «ابوالفتح» را فقط مرحوم حاجی میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۴۸۸ نقلاً از اربعین ابوسعد محمد بن احمد جد ابوالفتوح رازی ذکر کرده و در سایر کتب رجال ندارد.
- ۱۰- فهرست منتخب الدین ص ۱۰، و امل الامل مطبوع در آخر رجال استرآبادی ص ۴۹۴ و روضات الجنات ص ۵۴۲ و مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۴۸۸.
- ۱۱- این عین عبارت منتخب الدین است: «ابن اخیه». ولی واضح است که این تعبیر از باب مسامحه عرفی است که معمولاً در امثال این موارد روا دارند والا در حقیقت ابوالفتوح رازی پسر برادرزاده مفید نیشابوری بوده نه برادرزاده

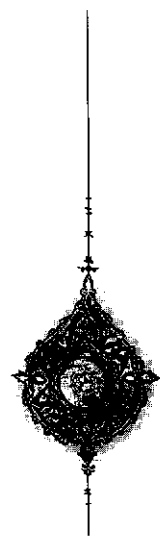


مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

الزهراء (۲۰) الفرق بین المقامین و تشبیه علی بذی القرنین، کتاب الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین (۲۱) کتاب منی الطالب فی ایمان ابی طالب، کتاب المولی، خبرداد ما را به کتب مزبوره استاد ما جمال الدین ابوالفتوح رازی نواده او از پدرش از صاحب ترجمه «(۲۲) - و این شهر آشوب در معالم العلماء در ترجمه حال او گوید: «ابوسعد محمد بن احمد نیشابوری از مؤلفات اوست کتاب التفهیم فی بیان التقسیم، الرسالة الواضحة فی بطلان دعوی الناصبه، مالا ید من معرفته» (۲۳) و خود مؤلف یعنی ابوالفتوح رازی در تفسیر آیه یا مریم ان الله اصطفک و طهرک و اصطفک علی نساء العالمین در سوره آل عمران (ج ۱ ص ۵۶۱) نیز نامی از صاحب ترجمه و از کتاب روضة الزهراء او برده است، پس از ذکر چند حدیث در فضایل فاطمه علیها السلام گوید: «و این دو خبر از کتابی نقل افتاد که جد من خواجه امام سعید ابوسعد جمع کرد نام آن الروضة الزهراء فی مناقب فاطمة الزهراء» و دیگر پدر مؤلف علی بن محمد بن احمد خزاعی که ترجمه حالی از او در هیچ جا نیافتیم جز آن که در مستدرک الوسائل (ج ۳ ص ۴۸۸) نقلاً از ریاض العلماء در حق او گوید که وی از اجله فضلا بوده است (۲۴).

و دیگر خود مؤلف شیخ جلیل ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی مذکور که عنقریب ترجمه حال او مفصلاً مذکور خواهد شد.

و دیگر دو پسر مؤلف یکی شیخ صدرالدین علی و دیگر شیخ تاج الدین محمد، منتخب الدین درباره اول گوید: «شیخ صدرالدین علی پسر شیخ امام جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی رحمهم الله مردی است فقیه و متدین» (۲۵). و درباره دوم گوید: «شیخ امام تاج الدین محمد پسر شیخ امام جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی خزاعی مردی است فاضل و باورع» (۲۶). و اینک برای سهولت مراجعه مناسب چنان دیدم که نسب نامه مؤلف کتاب و خاندان او را ذیلاً ثبت نمایم تا در وهله اول وجه قرابت ایشان با یکدیگر بفوریت معلوم گردد.



گنجینه



تنی او (رجوع شود به نسب نامه این خاندان در آخر این فصل).

۱۲- کذا فی الاصل یعنی در فهرست منتخب الدین چاپی ص ۷. ولی در امل الاصل ص ۴۸۰ در همین مورد نقلاً از منتخب الدین بعد از کلمه خزاعی یک کلمه «عنه» نیز اضافه دارد و نص: «وابن اخیه الشیخ الامام ابوالفتوح الخزاعی عنه رحمهم الله». و این زیادتی به نظر یکلی غلط می آید چه ظاهر این عبارت بنابراین زیادتی آن خواهد بود که ابوالفتوح رازی بلاواسطه از مفید نیشابوری روایت نموده و عصر او را درک کرده باشد و مرحوم حاجی میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۴۸۹ نیز به همین عقیده است و مفید نیشابوری را در جز مشایخ بلاواسطه ابوالفتوح رازی شمرده است. و این فقره فوق العاده مستبعد به نظر می آید چه وفات مفید نیشابوری به تصریح ابن حجر چنان که خواهد آمد در سنه ۴۴۵ بوده است و اگر این تاریخ صحیح باشد عصر مفید نیشابوری بسیار مقدم بر عصر مؤلف خواهد بود چه مؤلف عصر شیخ طوسی متوفی در سنه ۴۶۰ را ظاهراً درک نکرده بوده و همیشه به یک واسطه از او روایت می نماید پس به طریق اولی عصر مفید نیشابوری متوفی در سنه ۴۴۵ را نباید درک کرده باشد.

۱۳- کذا صریحاً واضحاً فی فهرست منتخب الدین و امل الاصل و نصهما: «هو قد قرأ علی السیدین علم الهدی المرتضی و اخیه الرضی و الشیخ ابی جعفر الطوسی الخ» و چنانکه ملاحظه می شود این عبارت صریح است در این که مفید نیشابوری بلاواسطه از سیدین مرتضی و رضی روایت نموده بوده و معاصر ایشان بوده است. و مقتضای تاریخ وفات او که به تصریح ابن حجر در سنه ۴۴۵ بوده نیز همین است ولی در روایات الجنات ص ۱۸۴ معلوم نشد از روی چه مأخذی و شاید با جهاد خود در اینجا یک کلمه «بالاسناد» افزوده که به کلی مغیر معنی است و نص: «هو ای المفید النیشابوری» بیرونی لاسناد عن مشایخ ابیه الثلاثة المتقدمین [یعنی بهم الرضی و الشیخ الطوسی] و عن ابن البراج الخ» که مقتضای این علاوه آن خواهد بود که مفید نیشابوری به واسطه یا وسایطی از سیدین مرتضی و رضی روایت نموده بوده و عصر ایشان را درک نکرده بوده است و این خلاف صریح عبارت منتخب الدین و امل الاصل است چنان که ملاحظه شد.

۱۴- فهرست منتخب الدین ص ۷ و امل الاصل ص ۴۸۰.

۱۵- ابوالمظفر هنادین ابراهیم النسفی الموفی فی سنه ۴۶۵ (لسان المیزان ج ۶ ص ۲۰۰).

۱۶- ابوالحسن احمدین محمدین احمدین النور البغدادی البزار المتوفی سنه ۴۷۰ (طبقات الحفاظ ذهبی ج ۳ ص ۳۳۷).

۱۷- بصیغه تنثیه یعنی دو شکسته به طنز در مقابل صحیحین یعنی دو درست. ۱۸- تعصب مفرط ذهبی نسبت به شیعه و هر چه راجع به شیعه است معروف است. و هر جا در مؤلفات او ذکری از ایشان به میان می آید غالباً با جمله «لا بارک الله فیهم» یا «لا راعهم الله» و نحو ذلک همراه است، و این ملاحظه او در اینجا نیز از جنس همان تعصبات بارد قبیح اوست، و سخافت این سخن یعنی نسبت دادن امامی از ائمه مشهور مسلمین را به کینه نسبت به اسلام محض برای آن که وی شیعه بوده و به مرویات مخالفین واقعی نمی نهاده واضح تر از آن است که محتاج برد و ابطالی باشد.

۱۹- لسان المیزان ابن حجر ج ۳ ص ۴۰۴-۴۰۵.

۲۰- کذا فی الاصل یعنی در فهرست منتخب الدین وصاب «فی مناقب فاطم الزهرا» است چنان که خود مؤلف یعنی ابوالفتوح رازی در ج ۱ ص ۵۶۱ بدان تصریح کرده و عنقریب عین عبارت او نقل خواهد شد.

۲۱- مرحوم حاجی میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۴۸۸ گوید که نسخه از این کتاب اربعین به خط شیخ محمدین علی جباعی جد شیخ بهائی در نزد من موجود است و مکرر در کتابت مزبور فقراتی نیز از آن نقل کرده است.

۲۲- فهرست منتخب الدین ص ۱۰-۱۱.

۲۳- معالم العلماء طبع آقای اقبال ص ۱۰۴.

۲۴- مؤلف روایات الجنات در ترجمه احوال محسن بن الحسن بن احمد خزاعی عم پدر ابوالفتوح رازی ص ۵۴۲ احتمال داده که آن کس که منتخب الدین شرح حال او را به عنوان ذیل مذکور داشته [ص ۸] «الشیخ زین الدین ابوالحسن علی بن محمد الرازی المتکلم استاد علماً الطائف فی زمانه وله نظم رائق فی ملاح آل الرسول و مناظرات مشهور مع المخالفین و له مسائل فی الممدوم و الاحوال و کتاب الواضح و دقائق الحقایق شاهدته و قرأت علیه» با علی بن محمد پدر ابوالفتوح رازی یکی باشد، راقم سطور گوید این احتمال صاحب روایات بغایت بعید به نظر می آید چه اگر چنین می بود منتخب الدین بدون شک معترض این علقه قرابت بین صاحب ترجمه و استاد خود ابوالفتوح رازی می شد، و انگی نیفزودن نسب «خزاعی» بر نام صاحب ترجمه و سکوت سایر مؤلفین رجال از قبیل امل الاصل و مستدرک الوسائل و تنفیح المقال از ذکر این فقره با آنکه همه معترض ترجمه حال این علی بن محمد الرازی المتکلم شده اند همه قرائن واضح بر ضعف و بی اساسی این احتمال است.

۲۵- فهرست منتخب الدین ص ۹

۲۶- ایضاً ص ۱۲

